



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۱۳ فروردین ۱۴۰۰ - ۲ آوریل ۲۰۲۱

## در باره قرارداد ایران و چین

### سرمایه داری و پاندمی کرونا

صفحه ۴

نادر شریفی

## قرارداد جمهوری اسلامی و چین؛

### جنجال اپوزیسیون بورژوایی

صفحه ۶

جاوید حکیمی

## خاطراتی از یک تجربه

صفحه ۷

احمد بابائی

## کارگران کمونیست و تحزب کمونیستی

### در باره خط آنتی تحزب

صفحه ۹

سیاوش دانشور

## کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکنند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارناکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهائی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۱

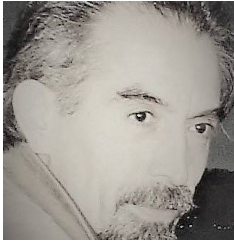
COVID-19 Vaccine  
رایگان  
استانداردهای  
جهانیت به  
برای همه

واکسیناسیون رایگان  
با استانداردهای بهداشت جهانی،  
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!



شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ایران فعالیت کرده اند و نوع چینی آن از همه خشن تر است. در خود چین، کارگران هر روز زیر فشار کار جان می‌دهد و با دست به خودکشی می‌زنند.

ایران یک حوزه نفوذ اقتصادی غرب است و در چهارچوب تقسیم کار جهانی مسئول تولید نفت و سازماندهی استثمار خشن نیروی کار ارزان طبقه کارگر با

یک روبنای سیاسی مبتنی بر دیکتاتوری عربان برای تامین فوق سود امپریالیستی است. تفاوتی ندارد سرمایه چینی یا روسی یا آمریکایی یا اروپایی و یا چه ترکیبی از سرمایه‌ها در ایران در شراکت با سرمایه "وطنی" کار می‌کنند و یا سرمایه‌ها از چه طریقی از حاصل استثمار طبقه کارگر منتفع می‌شوند. "ضد امپریالیست" های ناسیونالیست که سنگ منافع بورژوازی مرتجع و حریص تر را به سینه می‌زنند؛ نمی‌خواهند متوجه شوند که امپریالیسم قبل از هر چیز شرایط حاکم بر تولید و کار طبقه کارگر است نه یک عامل خارجی که دنبال "غارت و چپاول" است و یا گویا مشکل اینست که "وابستگی" داریم!

زمانی ناسیونالیسم چپ با همین استدلال و تز غارت و چپاول و تمجید بورژوازی "ملی و میهنی" خود را "ضد امپریالیست" تعریف می‌کرد. امروز این استدلالها را ناسیونالیسم ایرانی در غلیظ ترین فرم آن با "غارت ایران" و "ترکمانچای" تکرار می‌کند و همراه با اصلاح طلبان حکومتی تنور هیستری ضد روسی و ضد چینی را داغ می‌کنند. زمانی توده ایسم و ضد آمریکائی گری مبتذل تلاش داشت برای بلوک متبوع سیاسی اش مانیپولاسیون کند. امروز همین سیاست به همراه حکومت اسلامی بر طبل هیستری ضد آمریکائی و ضد اسرائیلی می‌کوبد. این سیاستها که در جوهر قدیمی اند و در شکل جدید بنظر می‌رسند، در همان سالهای اول انقلاب ایران با حضور کارگران سوسیالیست در صحنه سیاست و نقد مارکسیستی به سرمایه داری اجتماعاً شکست خوردند. اینها سلحشوران جبهه های مختلف سرمایه امپریالیستی در درون کشورند و ربطی به سیاست و منفعت کارگری کمونیستی ندارند.

بحث "راهبرد شرقی" و چرخش استراتژیک به سمت روسیه و چین برای رفع تنگناهای اقتصادی و امر بقای حکومت، غیر جدی تر از آنست که بخشی از حواریون جمهوری اسلامی در داخل و خارج به آن دلبسته اند. حتی اگر کل حکومت پشت این سیاست باشد، چنین بازسازی و شیفت ساختاری برای جمهوری اسلامی مقدور نیست و نظر به چهارچوبهای موجود جهان سرمایه داری، چین و روسیه هم ابزارهای به فرجام رساندن آن را ندارند. وانگهی روسیه و چین در چهارچوب یک سرمایه داری جهانی و قوانین فی الحال موجود مالی و پولی و مناسبات حاکم بر آن کار می‌کنند. لذا کل کشمکش پرو شرقی‌ها و پرو غربی‌ها در حاکمیت اسلامی، که بازتاب خود را بیرون و حاشیه حکومت میان ناسیونالیستهای متفرقه طرفدار آمریکا و ضد آمریکائی های متفرقه طرفدار روسیه و چین منعکس می‌کند، بحثی ارتجاعی و ضد کارگری و نامربوط به تمایلات انترناسیونالیستی کارگران و انساندوستانه مردم ایران و خواستههای کلیدی آنهاست.

ما می‌گوییم مسئله اساسی امروز جامعه ایران و پایان دادن به فقر و فلاکت و مصائب و مشقات اکثریت عظیم مردم،

## گمونیست هفتگی می پرسد؛

### در باره قرارداد ایران و چین

*امضای قرارداد جمهوری اسلامی و چین به بحثهای مختلفی دامن زده است. طرفین قرارداد چه سیاستی را دنبال می‌کنند، جایگاه تبلیغات ناسیونالیستی مبنی بر "غارت ایران"، "ترکمانچای دیگر" و "ایران را فروختند" چیست؟ حزب حکمتیست در باره این قرارداد چه می‌گوید و مبانی سیاست کارگری کمونیستی و یک دولت انقلابی کارگری به این نوع قراردادها چیست؟*

**سیاوش دانشور:** برخلاف فرض حاکم به بیشتر مباحث که این قرارداد را به معنی اخص کلمه اقتصادی تصویر می‌کند، وجه اقتصادی این قرارداد کارکرد اصلی و بلافصل آن نیست. کسانی که راجع به محتوای اقتصادی این قرارداد بحث می‌کنند، فرض شان اینست که جمهوری اسلامی میماند، سرمایه های غربی و شرقی وارد بازار ایران میشوند و دور جدیدی از سرمایه گذاری و بازسازی اقتصادی و اشتغال در افق است، فاقد اعتبار و بر فرض تماماً نادرستی مبتنی است. جمهوری اسلامی را تمام دولتهای دنیا قبول کنند، ما و طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران قبول نمی‌کنیم. سرنگونی یک تهدید جدی و واقعی رژیم اسلامی است و مسئله بقای حکومت بیش از هر زمان به اساسی ترین سوال رژیم اسلامی بدل شده است. لذا وجه سیاسی این قرارداد برای جمهوری اسلامی مهم تر است، چون تمام هم و غم امروز رژیم اسلامی بقای حکومت است.

جمهوری اسلامی برای برون رفت از بن بست اقتصادی و معضلات همه جانبه سیاسی و اجتماعی همزمان که برای از سرگیری مذاکره با آمریکا و اروپا التماس و تلاش میکند، در شکافهای قدرتهای جهانی بازی میکند. انعقاد چهارچوبی اولیه تحت عنوان قرارداد با چین، بزعم سران رژیم اسلامی ایجاد خاکیزی هر چند شکننده در مقابل فروپاشی اقتصادی در حال جریان، یک اعمال فشار به غرب و تسهیل راه مذاکره و بند و بست با آمریکا و دول غربی نیز هست. بویژه که روسیه و چین هم مشوق این مسیر و بازگشت به برجام هستند. اوضاع جمهوری اسلامی غیر قابل ادامه است. فقر و گرسنگی و مشکلات حاد اقتصادی بیداد میکند. این جامعه روی بشکه باروت نفس می‌کشد و دارد منفجر میشود. رژیم اسلامی نیازمند باز کردن سوپاپ های تنفسی و وقت خریدن است. خود رژیم اسلامی هم میدانند که نه این قرارداد و نه قراردادهای مشابه با روسیه و چین که قبلاً هم وجود داشته اند، حتی به معنی کامل اقتصادی و عملیاتی طی زمانبندی مشخص، جواب معضلات واقعی جمهوری اسلامی و سرمایه داری ایران را نمی‌دهد.

چین بعنوان یک غول اقتصادی مانند دیگر قدرتهای جهانی دنبال توسعه طلبی امپریالیستی و استثمار نیروی کار ارزان و دستیابی به بازارهای فروش کالا است و به انرژی و مواد خام نیاز دارد. عملکرد کمپانیها و سرمایه چینی یا شرکتها و سرمایه کشورهای غربی در ایران، برای کارگری که باید سود آنها را تامین کند، تفاوتی ندارند. تاکنون همه کمپانیهای غربی و شرقی تحت شرایط کار و استثمار خشن کارگر در

قاطع هیستری راسیستی ضد چینی و ضد روسی و ضد آمریکائی ناسیونالیست های متفرقه راست و چپ هستیم. این سیاستها تنها به فاشیسم و راست افراطی نیرو میدهد. طبقه کارگر و حزب حکمتیست نه قرار است نقش مشاور اقتصادی حکومت اسلامی را ایفا کند و نه در معاملات تجاری و سیاسی دولتها و گروهبندی های ارتجاعی منفعتی دارد. هدف همه آنها سهم بری از استثمار طبقه کارگر است. هدف ما پایان دادن به سلطه سیاسی و اقتصادی حاکمیت سرمایه داری است.

دولت انقلابی کارگری برای تامین نیازهای جامعه با هر کشور دنیا با فرض تامین و تضمین استاندارد رفاه و شرایط کار طبقه کارگر در درون کشور، با تکیه بر اصل برابری در مناسبات بین المللی و تامین منافع استراتژیک، وارد رابطه و انعقاد قراردادهای ضروری می شود. اما دولت انقلابی کارگری کلیه قراردادهای اسارتبار امپریالیستی ضد منافع کارگران و مردم را لغو می کند و در قبال قراردادهای اسارتبار که توسط دولت سرنگون شده منعقد شده اند، تعهدی ندارد.

۳۱ مارس ۲۰۲۱

## کمونیست هفتگی می پرسد؛

### در باره قرارداد ایران و چین ...

سرنگونی هرچه سریعتر جمهوری اسلامی است. ما و دولت انقلابی کارگری فردا در ایران، خواهان ارتباط وسیع با مردم جهان و جنبش بین المللی کارگری در کشورهای مختلف هستیم. ما دیپلماسی سری را لغو می کنیم و هر قراردادی که علی القاعده راجع به گوشه ای از زندگی و سوخت و ساز جامعه است، باید علنی و شفاف باشد. از نظر ما سری بودن مناسبات بین المللی و دیپلماسی، مخفی بودن محتوای قراردادهای اقتصادی، پیمانهای سیاسی و نظامی باید خاتمه یابد. ما بعنوان کمونیست و انترناسیونالیست خود را متحد طبقه کارگر در آمریکا، روسیه، چین و کشورهای دیگر میدانیم و در صف آنها علیه دولتهای سرمایه داری مبارزه می کنیم. ما و کارگران کمونیست مخالف

## در اول مه

### علیه سرمایه داری پاخیزیم!

ما کارگران هر چه بیشتر کار میکنیم، سرمایه قدرتمندتر میشود؛ هر چه سرمایه بیشتر قدرتمند میشود،

زنجیر اسارت طبقه ما محکم تر میشود؛ در حالی که میلیون ها کارگر بیکار و زندگی شان نابود میشود،

سرمایه داران از صدها میلیون دلار حمایت از جیب ما کارگران بهره مند میشوند؛ کارنامه سرمایه داری مملو از جنایت علیه زندگی و عوطف ما کارگران است

سرمایه داری با تشدید فشار کار و کاهش دستمزدها، بایکار سازی و ایجاد رقابت در صفوف ما، با گسترش کار قراردادی و افزایش ساعات کار،

با تحمیل فقر مستمر و با موعظه توجیه این اوضاع، هستی ما کارگران را در چهار گوشه جهان گرو گرفته است؛

کارگران! این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست؛ این نظام بدون جنایت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سر پا بماند؛

رهائی ما کارگران در گرو انقلاب علیه سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه است؛ در اول مه در صفوف بهم فشرده،

با پرچمهای سرخ و عزم برپائی حکومت کارگری ب میدان بناییم؛ در اول مه باید خشت خشت کاخهای قدرت بورژوازی را بلرزانیم؛

در اول مه باید فریاد ز نیم؛ نابود باد سرمایه داری؛ یک دنیای بهتر باید ساخت؛ جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی؛



زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت

مارس ۲۰۲۱

## به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

IBAN: NO57 0532 1432 400

Bank: DNB

Account holder: IKIR

BIC: DNBANOKKXXX

## سرمایه داری و پاندمی کرونا

نادر شریفی

بیش از یکصد و پنجاه سال پیش نقد مارکس به سرمایه داری و تغییر آن از طریق انقلابات کارگری می گذرد. سرمایه داری هر روز با عملکرد خود بر نیاز مارکس و انتقاد اجتماعی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر برای تغییر تاکید می کند. بویژه امروز و پس از شیوع پاندمی کرونا، بیش از هر زمانی این امر برای بشریت کارگر ملموس تر و ضروری تر شده است. در سرآغاز قرن بیست و یکم دیگر باید برای همگان روشن باشد که "جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود"، که تنها راه خلاصی انقلاب کارگری علیه وضع موجود است.

بیش از یکسال از شیوع پاندمی کرونا میگذرد. با شیوع کووید ۱۹ و تلفات وسیعش جهان بار دیگر مبهوت شد و سئوالات زیادی در مقابلش قرار گرفت. در پس محدودیت های کنونی کرونا مسائل زیادی لانه کرده که بسرعت به صورت فریاد در پایتخت ها ظاهر خواهد شد. ادامه این "وضعیت" ممکن نیست. تا چه حد ثروتمندان باز ثروتمندتر و فقرا باز فقیرتر شوند، آیا این مسیر بی انتهاست؟ آیا جهان و طبیعت قادر است جنون سیری ناپذیر انباشت سرمایه از یکطرف و عدم دسترسی حداقل یک سوم از مردم کره خاکی به پیش پا افتاده ترین مواد بهداشتی مانند صابون و دستکش و ماسک یا فقدان آب آشامیدنی یا گرسنگی را تحمل کند؟ امروز برای هر انسانی که منفعتی در استثمار دیگر انسانها ندارد، باید روشن باشد که این نظام با نیازهای بدوی بشر هم در تناقض است و بنابراین باید آنرا از سر راه برداشت. بنای جامعه و جهانی ازاد و برابر و انسانی و همخوان با طبیعت پیرامونی اش تنها راه بقا است. معلوم شده و عده های "دموکراسی"، "جهان آزاد" و "اقتصاد سرمایه داری بهترین نظام اقتصادی است!" حاصلی جز دیکتاتوری سرمایه و جهان اسیر در فقر و بیماری تحت باغ وحش بازار و سرمایه داری نداشته است.

### دولت آلمان در مقابله با پاندمی کرونا

صرف نظر از اقداماتی چون قرنطینه و لاک داون ها، دولت آلمان نیز بطور موثر در فکر مبارزه و شکست این ویروس نبوده و نیست. بعنوان مثال بیاد بیآوریم سرآغاز شیوع پاندمی کرونا را که مدیای رسمی برسر افزایش تختهای اورژانسی در بیمارستانها و مراکز بهداشتی از یکدیگر سبقت میگرفتند! آیا باور کسی می شود، در حالی که روزانه هزاران نفر در آلمان مبتلا به ویروس کرونا می شوند، تنها در شش ماه گذشته بیش از شش هزار تخت ویژه در بیمارستانها، که قرار بود برای درمان مبتلایان به کرونا استفاده شوند، نه تنها در آمار و ارقام بلکه بصورت واقعی ناپدید شده اند! کسی می تواند بپذیرد که در بحبوحه پاندمی کرونا و با آگاهی به اینکه در کشوری مثل آلمان تنها ۱۰ درصد جامعه تا به امروز واکسن دریافت کرده اند، بیش از شش هزار تخت و دهها بیمارستان تعطیل شده اند؟ سال گذشته وزیر بهداشت آلمان فدرال، آقای ینس شپان، اعلام کرد که حداقل دویست هزار پرسنل در بخش بهداشتی کمبود شغلی وجود دارد. ولی امروز با گذشت یکسال از پاندمی کرونا،

نه تنها این کمبود رفع نشده بلکه از تعداد پرسنل بهداشتی حداقل شش هزار نفر هم کاسته شده است؟

براساس آمار وزارت کار، درآمد میانگین مزدگیران آلمان تنها ظرف یکسال گذشته ۹.۰ تا ۹.۱ درصد منفی بوده است. در کنار رشد نزولی دستمزدها، بخش اعظم

مزدگیران در آلمان یا ورشکسته یا کارهای خود را کلا از دست داده اند و یا مجبور به کار نیمه وقت شده اند که راه حل جدی برای گذراندن امور زندگی آنان نیست. یکی پاندمی مرگبار دنیا را دربرگرفته ولی بیمارستانها و تختهای ویژه درمانی عملاً مفقود میشوند، جیب نمایندگان احزاب بورژوائی و شرکتهای تجاری پرتز می شود، حتی دولت فدرال آلمان جرئت نمیکند از شرکتی مثل آمازون بخواهد که بصورت رایگان دهها هزار کارگر و کارکن خود، که در تنگترین فضای ممکن مشغول بکارند، تست کرونا بگیرد.

### انحصار دارو ممنوع!

در شرایطی که بیش از هر زمانی مراکز مجهز درمانی و بیمارستان، تست و واکسن برای شهروندان جهان حیاتی شده است و روزانه حداقل ۱۵ هزار نفر جان خود را بر اساس آمار اعلام شده و نه غیر رسمی از دست میدهند، همچنان سه تا چهار کنسرن دارویی که واکسن کرونا را در انحصار خود دارند و سرگرم درآمدزایی چند صد میلیاردی برای خود هستند. مطلقاً هیچ حزبی حکومتی در غرب نه تنها به کار آنان اعتراض نمیکند بلکه روسای آنان را به کاخهای ریاست جمهوری دعوت و مدال قهرمانی هم به آنان میدهند! همزمان روزانه هزاران نفر تلف میشوند، میلیونها ورشکسته و یا شغل خود را از دست می دهند و مادران و پدران پیر فرزندان خود را ملاقات نمی کنند. همه باید در خانه ها بمانند، نیمه وقت کار کنند و در مجموع ارتباط اجتماعی خود را بشدت کاهش دهند یا قطع کنند! چرا مقدرات ما را انحصار و منافع تعدادی شرکت "خصوصی" در دست گرفته است؟ تازه این پایان کار نیست! یکی از روسای شرکت دارو سازی فایزر در گفتگویی با تلویزیون اتریش معتقد است که احیاناً شهروندان جهان هرسال دو بار، باید واکسن کرونا فایزر را بزنند تا بطور واقعی در مقابل این ویروس به احتمال ۹۵٪ واکسینه باشند!

در کنار تلفات تکنونی و مرگ و میر وسیع روزانه، که عمدتاً از محرومان جامعه اند، بیکارسازی چند صد میلیونی، عدم پرداخت دستمزدها، لغو قراردادهای رسمی و دراز مدت تر کار، کاهش درآمدها و گرانی مواد غذایی و بهداشتی، بی خانمانی و افزایش هزینه مسکن و انرژی و شانه خالی کردن حکومتهای سرمایه در حفظ جان و معیشت طبقه کارگر، از دیگر مشقات ایندوره است. در مقابل وضعیت اسفبار اقتصادی و اجتماعی و سلامتی طبقه کارگر، طبقه سرمایه دار توانسته به انباشت سرمایه خود همچنان بیافزاید. در این میان حکومتهای غربی که کارگزار شرکتهای بزرگ هستند، برای پرسنل پزشکی که وظیفه درمان جامعه را به آنان سپرده اند، در همان مجالس کشوری که واگذاری بلاعوض چند هزار میلیارد دلاری به شرکتهای بزرگ را تصویب کرده اند، زحمت کشیده و به احترام آنان ایستاده



داری پایان دهیم. بدون انقلاب کارگری، رهایی و آزادی از منجلا ب سرمایه داری ممکن نیست.

امروز در ایران یک کمونیس م کارگری بی تخفیف و یک طبقه کارگر رزمنده و رادیکال حضور دارد. شاید در کم کشور جهان علیرغم وجود سازمانهای کارگری این درجه روشن بینی طبقاتی میان جنبش کارگری دیده شود. طبقه کارگر ایران امروز از یکسو در خط مقدم مبارزه با بربریت اسلامی سرمایه ایستاده و از سوی دیگر در جنگی نابرابر با پاندمی کرونا است. برزخ کرونا تعدیل یا تمام میشود و از هر سو جدال اوج میگیرد. ایران از اولین کشورهائی است که سرمایه داری با یک موج انقلابی کارگری و جنبش شورائی روبرو خواهد شد. حزب کمونیس ت کارگری - حکمتیست به این سنت مبارزاتی تعلق دارد و پرچم انقلاب این طبقه را برافراشته است.

۱ آوریل ۲۰۲۱

## سرمایه داری و پاندمی کرونا ...

و دست میزنند! توماس میدلدورف نویسنده کتاب "آینده را از دست دادید"، معتقد است که برای درک رشد "غیر قابل باور سرمایه تنها از هنگام شیوع پاندمی کرونا، مهم است که نگاهی به بورس و خرید و فروش سهام و بخصوص بخش تکنولوژی در بنگاههای جهانی خرید و فروش سهام بیندازیم". شرکت اتومبیل سازی تسلا، آمازون، گوگل و کو بعنوان مثال در کنار صدها میلیارد که در سال گذشته، درآمدهای افسانه ای خود را با حمله به طبقه کارگر و زحمتکشان جهان چند برابر کرده اند. براساس آمار رسمی اعلام شده و با وجود کشف واکسن ویروس کرونا، تنها از اوایل ژانویه ۲۰۲۰ تا اواخر ماه فوریه یعنی ظرف مدتی کمتر از دو ماه حداقل ۱۵۰۰۰ نفر جان خود را روزانه بخاطر ابتلاء به ویروس کرونا در سراسر جهان از دست دادند.

### پاندمی کرونا و جمهوری اسلامی

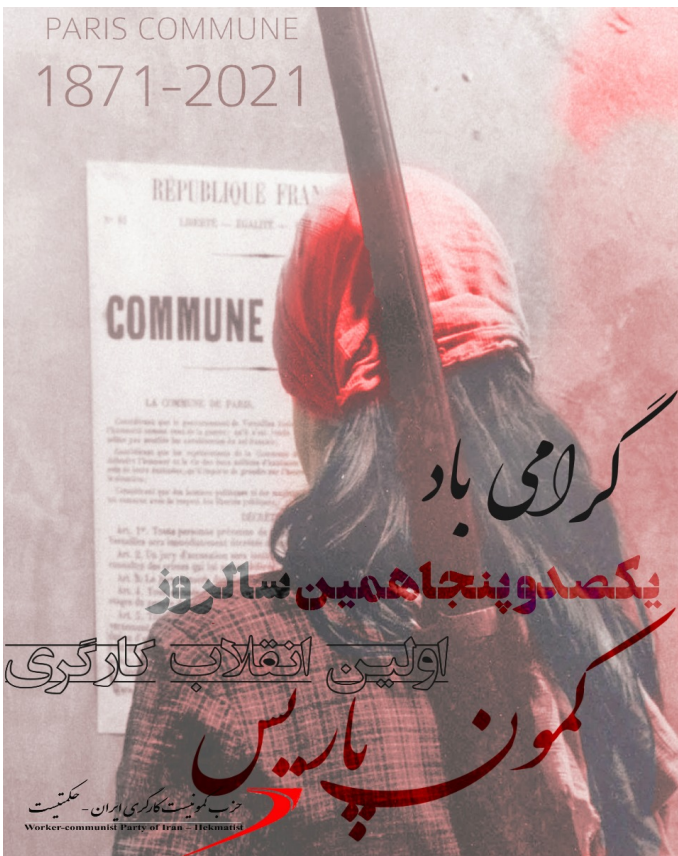
در ایران ویروس کرونا و ویروس جمهوری اسلامی باهم جنایتی عظیم علیه مردم صورت دادند. کرونا برای فاشیستهای اسلامی نعمتی بود برای تنفس و جلوگیری از سرنوینی، ابزاری کارا بود برای سرکوب و عقب راندن جامعه ای معترض که آمده بودند تا بساط شان را برچینند. در ایران کرونا بیزنس جدید و پرسودی شد با آدمکشی و نمایش فرهنگ متحجر اسلامی. حکومت جنایتکار اسلامی نه فقط هیچ مسئولیتی مشابه دولتهای هم سنخ خودش بعهده نگرفت بلکه تا توانست مردم را چاپید و به بهانه های مختلف هزینه های زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان را روزانه سنگین تر کرد. تورم افسار گسیخته است و گرانی مواد غذایی، بهداشتی و درمانی و تامین مسکن به معضل لاینحلی بدل شده است. در این اوضاع دستمزدها همچنان چند برابر زیر خط فقر تعیین می شود.

### سال کرونا

سال گذشته را "سال کرونا" می خوانند. این اما نصف واقعیت است، سال گذشته سال "یورش به طبقه کارگر" هم بود. دولتها بر حملات خود به طبقه کارگر افزودند و سرمایه داران را فربه تر کردند. تازه قرار است وامهای میلیاردی بلاعوض به شرکتهای بزرگ هم بدهند. بر همگان و بخصوص طبقه کارگر باید روشن باشد که پس از پاندمی کرونا، برای تامین بدهی هایشان حملات بیشتری به سطح معیشت طبقه کارگر خواهد شد. اما کارگران میتوانند در مقابل این اوضاع سدی ببندند.

### جواب طبقه کارگر ایران

کارگران همین امروز در عین حال برای دستمزدهای جوابگوی تامین لوازم زندگی و حق سلامت و واکسیناسیون مبارزه می کنند و تامین اینها را حق فوری خود و وظیفه دولت میدانند، در عین حال میدانند بدون پایان دادن به جمهوری اسلامی چیزی درست نمی شود. هر روز ما پاندمی است. مادام که یک حکومت ضد کارگر حامی سرمایه دار، حالا با عمامه یا با کراوات، سر کار است، جان و حرمت انسانها فدای منفعت آنان خواهد شد. طبقه ما به این وضعیت باید پایان دهد و پایان میدهد. ما برای حفظ جان و حرمت خود و اکثریت عظیم جامعه، برای آزادی و یک زندگی سعادتمند باید به عمر ننگین جمهوری اسلامی و نظم سرمایه



**جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،**

**بدون امید سوسیالیسم،**

**بدون «خطر» سوسیالیسم،**

**به چه منجلا بی تبدیل میشود!**

**منصور حکمت**

## قرارداد جمهوری اسلامی و چین؛

### جنجال اپوزیسیون بورژوایی

جاوید حکیمی



نازنین ترین جوانان در گورستان خاوران و تباه ساختن زندگی سه نسل، برای محکوم ساختن این جنایتکاران کافی نیست. در قاموس بورژوا، داعشی ها باید "وطن بفروشدند" تا "خائن" شناخته شوند. وانگهی خائن به چه؟ مگر خرید و فروش، تجارت آزاد، قانون مقدس مناسبات مطلوب همگی شما نیست؟

جمهوری اسلامی از قرار معلوم قراردادی بیست و پنج ساله با چین بسته است. حکومتی که توان دفاع از یک سرمایه گذاری بیست و پنج ماهه با زالوهای "خودی" را ندارد حالا با بوق و کرنا از قراردادی بیست و پنج ساله با کفتار سرمایه داران چینی خبر می دهد. سرمایه گذاری ملزوماتی دارد عینی و خارج از میل و اراده و درک و فهم دانشمندان حوزه و نویسندگان توضیح المسائل. جامعه ای با رژیم سیاسی هزار شقه، جنبش های اعتراضی حاضر در میدان و طبقه کارگر عصبانی و آماده دخالت در اوضاع، بستر مناسبی برای سرمایه گذاری درازمدت نیست. اگر اینطور بود خاورمیانه حال و روزی دیگر داشت.

آشکار است این توافق نامه بیشتر کاربست سیاسی برای رژیم دارد تا گشایش اقتصادی. می خواهند به جامعه پیام بدهند ما می مانیم چون حامیان بین المللی داریم. حکومت "نه شرقی نه غربی" به در یوزگی هم برای شرق و هم برای غرب افتاده است. با این همه تا همین جا نفس انتشار خبر برای رژیم ارمغانی نداشته جز افزایش بحران و بی ثباتی بیشتر. حکومت اسلامی حقیقتاً به وضعیت بغرنج و غریبی گرفتار آمده است؛ بدون خارج شدن از انزوا و باز کردن دروازه کشور به روی سرمایه گذاران خارجی حریص و آماده استثمار خشن طبقه کارگر، از پس تامین هزینه سنگین قوای سرکوبگر خودش هم بر نمی آید. از سوی دیگر، تن دادن به عقد قراردادهای خفت بار برای بقای حکومت یعنی مواجه شدن با فوران خشم توده ها آنهم در اوج تشنیت سیاسی میان باندهای مختلف حکومتی. هیچ مفری برای نجات جمهوری اسلامی متصور نیست.

اما خبر معاهده چهارصد میلیارد دلاری میان ایران و چین در اپوزیسیون راست غوغایی بپا کرده است تماشایی. صد و اندی سال است بورژوازی باصطلاح "لیبرال" ایران عرضه یک مبارزه نیم بند با مذهب، برداشتن لچک از سر زنان و گرفتن حق ابتدایی ایجاد تشکل کاریگری را نداشته اما تا دلت بخواد حول این یا آن قرارداد اقتصادی جنجال بپا کرده است. شیرین عبادی فعال حقوق بشر از بی حقوقی مطلق انسان در اسلام و سنگسار زنان، اینقدر خونس به جوش نیامده که از شنیدن این خبر. حق هم دارند؛ در سنگسار سخن از جان انسان در میان است و در این قراردادها پای میلیاردها دلار پول. بورژوازی دلال که می گویند یعنی همین. برنده جایزه نوبل فرموده اند قرارداد فی مابین دولت ها بی اذن و اجازه ملت ممنوع و ادامه داده اند یا مجلس را - همان طویله اسلامی که هرازچندگاهی با لگد و فحش از هم استقبال می کنند- در جریان مفاد توافقنامه قرار می دهید یا تاریخ شما خائنین را نخواهید بخشید! تو گویی کشتن صد هزار انسان، زنده بگور کردن

پهلوی چی ها نیز قرارداد فوق را به معاهده "ترکمانچای" تشبیه کرده اند؛ مقایسه ای به غایت بی ربط. ترکمانچای مربوط به عصر استعمار کهن بود و دوره اشغال شهرها حال آنکه تفاهم نامه ایران و چین توافق داوطلبانه دولتهای بورژوایی است و البته همانقدر عادلانه که قرارداد بین دولتهای رگورددار اعدام و گرگهای سرمایه دار.

ناگفته پیداست این دعوا و داد و قال ها نه به خاطر عشق به "مام میهن" که بر سر سهم خواهی است. هر طیف بورژوازی در حاکمیت و در اپوزیسیون می خواهد خودش پای ثابت این معاملات نان و آبدار باشد و با دول مطلوب خودش. اگر این قرارداد با آمریکا و اروپا بود همین ها جشن می گرفتند و بر عکس طرفداران روسیه و چین عزادار بودند.

موضع ما کمونیست ها در قبال معامله با چین و اصولاً تمام قراردادهای اسارتبار امپریالیستی با هر کشوری، همان است که در عمل توسط لنین اتخاذ شد؛ لغو کلیه قراردادهای اسارتبار دول سرمایه داری با یکدیگر و بخشودگی همه بدهی های احتمالی. این است سیاست کمونیستی و کارگری ما. در تقابل با این سیاست کارگری، میهن پرستان ملی و اسلامی از وثوق الدوله تا محمد جواد ظریف ملقب به امیرکبیر چه کرده اند؟

وثوق الدوله برای پر کردن جای خالی شوروی و مقابله با گسترش انقلاب اکتبر، کل ایران را به ملک طلق انگلستان درآورد. بر اساس قرارداد ۱۹۱۹، انگلستان انحصار امتیاز نفت شمال را علاوه بر جنوب بدست آورد و در مقابل متعهد به "پاسداری از استقلال و حفظ تمامیت ارضی" ایران گردید. ملاحظه می کنید کوشش بورژوازی برای حفظ "استقلال و تمامیت ارضی" از همان ابتدا معطوف به در یوزگی نزد اربابان امپریالیست بوده است. قرارداد فوق اما فرجام خوشی برای وثوق الدوله نداشت و با اعتراض شدید "میهن پرستان" مواجه شد و در هوا معلق ماند. از جمله این "میهن پرستان"، سفیر آمریکا در تهران بود. وی با انتشار اطلاعیه ای در مطبوعات تهران این قرارداد را یکجانبه، تحمیلی و بشدت ناعادلانه توصیف کرد. پس از مدتی جار و جنجال و به میدان کشاندن مردم بمثابه سیاهی لشکر بورژوازی میهن پرست، مجلس در جلسه ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ باز هم پنهانی و بدون هیچگونه بحثی، قرار واگذاری امتیاز استخراج نفت مناطق شمالی ایران را اینبار به شرکت آمریکایی «استاندارد اویل» واگذار کرد. مدت این قرارداد ۵۰ سال بود. حالا خون میهن پرستانی که پشتیبانی وزارت خارجه انگلستان را داشتند به غلیان آمد و توده ها را به خیابان کشاندند. همان توده های گرسنه ای که از این قراردادهای پنهان و آشکار یک ریال هم عاید آنها نمی شد و همواره نیازمند قرص نانی بودند. این معامله هم به خاطر

## خاطراتی از یک تجربه

احمد بابائی



را در کارخانه پخش کنیم. در ابتدا رفیق عزیزی داشتیم به اسم حسن رمضانیان که بعداً در جریان دستگیریهای سال ۶۰ اعدام شد. نامش و یادش هرگز فراموش شدنی نیست و آنزمان از رفقای تشکیلاتی ما بود. از شهرستان به تهران آمده بود، مسئولیت پخش اطلاعیه بین کارگران در بیرون در کارخانه و موقع سوار شدن کارگران به اتوبوس

ها را بعهده داشت و پس از پخش اطلاعیه ها با موتورسیکلتش سریع محل را ترک میکرد. بعد چند بار پخش اطلاعیه، تشکیلات مسئولیت اش را به من داد. با وسیله ای بنام استنسیل که بسیار ابتدایی و دستی بود چاپ میکردم. آنموقع من با کمیته "علیه بیکاری" هم همکاری داشتم. استفاده از دستگاهی ساده یک تخته برد بود و کاغذ استنسیل و یک خمیر جوهر و ورنه که رویش میکشیدیم نوشته روی کاغذ چاپ میشد. یادگیری این روش را هم مدیون رفیق خسرو داور در کمیته علیه بیکاری بودم.

با دستگاه کپی اطلاعیه ها را چاپ و با خود به محل کار میبردیم و قبل از کارگران زودتر خودم را به کارخانه رسانده و اطلاعیه ها را در قسمتهای مختلف کارخانه میگذاشتم و کارگران با ورود به قسمت های کاریشان بر میداشتند و میخواندند. مدتی به همین منوال گذشت آنزمان هنوز جو امنیتی سختی برقرار نبود ولی با اینحال خبر به گوش حراست که آنموقع ما میگفتیم نگهبانی رسید. کارگران از پخش اطلاعیه ها از طرف من باخبر نبودند اما سه تفنگدارها حدس میزدند که از طرف من است و با کارگران در رابطه با مضمون اطلاعیه ها صحبت میکردند. بخاطر فضای سیاسی جامعه و بالطبع در کارخانه تا مدتی نگهبانی گیر نداد با اینکه میدانست پخش اطلاعیه کار من است. اما جریان جنگ ایران و عراق پیش آمد که فضا عوض شد و جو کمی امنیتی شد. در یکی از همان روزها کارگزینی مرا خواست و مسئول کارگزینی که بطاهر آدم لیبرالی بود، مرا اخراج و حق و حقوقم را داد. آمدم اعتراض کنم، اما طوری که انگار به نفع خودم است که بروم برخورد کرد. در واقع خطر دستگیری و زندان را گوشزد کرد.

پس از اخراج از آکام بتون قبل از دستگیریهای خرداد ۶۰ و فرار و درگیری هایمان کم و بیش با سه تفنگدارها در ارتباط بودم اما بعد آن همه مان بطریقی از هم بیخبر ماندیم. چندی بعد در کارخانه های ایران خودرو و ایران تایر هم چندین سال کار کردم.

هدفم از بازگویی این خاطرات تاکید این نکته است که برای پیشروی باید درک درستی از توازن قوای طبقاتی به نفع کارگران و روشهای کار داشت. باید فعال کارگری اعتماد و همدلی طبقاتیش را به هم طبقه هایش ثابت کند تا بتواند نیروی بیشتری رو با خود همراه داشته باشد. باید ادامه کاریش را حفظ کند. باید بتواند منافع عمومی تر کارگران از هر لحاظ را نمایندگی کند. همین الان سه تفنگداران زیادی در کارخانه های مختلف ایران هستند که در مبارزات جاری طبقاتی با اتکا به توده کارگران و مجامع عمومی آنها، به نمایندگی از طرف کارگران

بعد انقلاب اولین جایی که مشغول بکار شدم آکام بتون بود که کارش ساختن سقف و دیوارهای بتونی بود. مجاور این کارخانه هم آکام فلز وابسته به آکام بتون که قسمتهای فلزی سوله و انبار رو میساخت قرار داشت. در اوایل انقلاب ۵۷ و گسترش جنبش چپ، من هم مثل خیلی از هم نسلهای آنروز شیفته جنبش کارگری و افتخاراتش در پیروزی قیام بودم. مانند خیلی ها راهی کار در کارخانه شدم. تجربه ای از کار در کارخانه و شناختی از محیط کار نداشتم، مطالعه چندانی هم نداشتم. هوادار سهن و سپس اتحاد مبارزان کمونیست شدم.

آکام بتون حدود چهارصد تا پانصد کارگر داشت، من در قسمت انبار کار میکردم، جایی که لوازم و تجهیزات مورد نیاز از کفش و لباس گرفته تا لوازم ماشین آلات در اختیار کارگران گذاشته میشد. تنها بنا به نوع کارم من در محیطی بسته قرار داشتم. جز مواردی که کارگران برای دریافت نیازمندیهای انبار به من مراجعه میکردند راه ارتباطی آنچنانی برای من با آنان وجود نداشت. ولی مشکل اصلی این نبود که نمیتوانم به قسمتهای دیگر بروم، مشکل در تفکرم بود که با نگاهی از بالا فکر میکردم من میفهمم، من میدانم و باید این دانشم را به کسانی که نمیدانند منتقل کنم. اگر هم نظری یا صحبتی هم با کارگری انجام میدادم بنظر میرسید که رابطه ای بین ما ایجاد نمیشد. ذهنم خیلی درگیر بود تا اینکه فهمیدم باید تغییراتی در رفتارم و روش فعالیتیم بوجود بیاورم. سعی کردم در سالن غذا خوری، سرویس و... دقت بیشتری در شناخت همکارانم داشته باشم و خودم را از انزوا و ادراکات نادرست دور کنم. تصمیم گرفتم محبوبترین و شناخته شده ترینشان را پیدا کنم. کسانی که کارگران به آنان اعتماد و روی آنان حساب میکنند و از آنان حرف شنوی دارند. مدتی طول کشید، اما بالاخره پیدایشان کردم. سه نفر بودند که کارگران همه قسمتهای کارخانه آنان را میشناختند. بقول خود کارگران "از آن شراهی که زبان همه میشدند" و کارگران حساب زیادی روی آنان باز کرده بودند. از آنجایی که همه جا با هم و کنار هم بودند، همکاران لقب سه تفنگدار به این سه نفر داده بودند.

پس از شناخت شان تصمیم گرفتم به آنان نزدیک شوم. اولش با سلام و علیک و احوالپرسی و حرفهای عامیانه. اما از آنجایی که آدمی بذله گو و شوخ و حاضر به جوابی هستم، پس از مدت کوتاهی رابطه حسنه ای بین ما برقرار شد. محل زندگی من در میدان فلاح، دو نفر از آنها در انتهای شهرک افسریه و نفر دیگر هم کرج زندگی میکرد. از آن بعد رابطه ما به رفت و آمد به خانه های هم انجامید و ارتباط با خانواده و دوستان. ارتباط با این سه نفر باعث نزدیکی بیشتر و همچنین شناخت بیشتر از جو و فضای کارخانه بود. آنموقع بود که فکر کردم من فقط در کارخانه نیستم بلکه کارگرم، جزیی از طبقه کارگرم. دستم باز تر شده بود، بعد از طرف تشکیلات پیام گرفتیم که اطلاعیه های کارگری





## قرارداد جمهوری اسلامی و چین؛ جنبال اپوزیسیون بورژوایی ...

اعتراضات خیابانی و عدم موفقیت دولت در کنترل وضعیت، سرنگرفت و شرکت آمریکایی با ناامن دیدن فضا، عطاء قرارداد را بر لقاییش بخشید و رفت.

چنانکه ملاحظه کردیم داستان اپوزیسیون سلحشور و شیفته معامله های نان و آبدار خلاصه شده در "مرگ بر انگلیس"، "مرگ بر آمریکا" و حالا "مرگ بر چین"! همان ها که پیشتر از شعار "دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست" ذوق مرگ می شدند، اکنون کوشش غربی می کنند برای جا انداختن فریاد "مرگ بر چین" در جامعه. این آخری قرار است در شرایط قطعی شدن جامعه و جدال چپ و راست، یک تیر و دو نشان بزند. هم با لغو قرارداد فوق، آن را به مثابه یک دستاورد و پیروزی بزرگ راست جامعه به کارگران و زحمتکشان بفروشند و هم "مرگ بر کمونیستی" باشد برای تسویه حساب با اردوی چپ و مدافع آلترناتیو سوسیالیستی. عوامفریبی بی حد و حصری می خواهد چین ذوب شده در بازار آزاد را "کمونیستی" معرفی کردن!

تکرار و تاکید می کنیم؛ کارگران و کمونیست ها چه امروز در هیئت اپوزیسیون حکومت و چه فردا در قامت دولت کارگری، با هر نوع قرارداد پنهان و آشکار اسارتبار دول سرمایه داری مخالف هستند و سر سوزنی به آن متعهد نخواهند بود. طبقه کارگر متکی بر مجامع عمومی و جنبش شورایی نه چیزی برای پنهان کردن دارد و نه تن به هیچ پیمان خفت بار با هدف استثمار خشن و دوشیدن شیر جان انسان ها را میدهد.

۱ آوریل ۲۰۲۱

## خاطراتی از یک تجربه ...

خواست و مطالباتشان را فریاد میزنند. زبانشان هستند، هزینه می دهند، پی اخراج و دستگیری را به تن میمالند تا از حقوق خود و همکارانشان دفاع کنند. اگر امروز جنبش کارگری به نیرویی شاخص در جامعه تبدیل شده و یا پیشروی هائی کرده که برای تبدیل شدن به افق آزادی جامعه شانس دارد، مدیون تلاش و زحمات تفنگدارهایست که چشم و چراغ جنبش کارگریند.

۱ آوریل ۲۰۲۱

**کارگران در اعتراضات به مجمع  
عمومی متکی شوید!**

**جنبش مجمع عمومی کارگری را  
گسترش دهید!**

**زنده باد شوراها!**

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را  
همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات  
شوراها را برپا کنید!**

**امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!**



## کارگران کمونیست و حزب کمونیستی در بارہ خط آنتی حزب

سیاوش دانشور

یک ویژگی اختناق سیاسی تبدیل شرایط و کارکرد سرکوب به "داده هائی تئوریک" برای گرایشاتی در چپ است. در نگاه به مباحث محافل متفرقه و بعضاً متضاد چپ در ایران زیاد با سیاست و تمایل آنتی حزب مواجه میشوید. این خط حزب گریزی و آنتی حزب یک شکل و یک چهارچوب سیاسی ندارد، بعضاً بطور کلی حزب را دشمن طبقه کارگر میداند و هر نوع حزبی را تکرار تجربه احزاب سرمایه داری دولتی بلوک شرق سابق معنی میکند، بعضاً جایگاه تشکل حزبی طبقه کارگر را در مبارزه جاری محدود و حاشیہ‌ای میکند و بعضاً علیه سیاست و تلاش حزب کمونیستی برای کسب قدرت سیاسی است. این تمایل آنتی حزب در افراطی ترین شکل خود، کارگران را از پیوستن به احزاب سیاسی منع میکند و بر آنست که کارگران ضروری است صرفاً در تشکلهای توده ای خود، حال شورا یا سندیکا، متشکل شوند و با اتکا به تشکل توده ای شان میتوانند به مصاف سرمایه داری بروند.

در عالم نظر و ایده طبعاً خیلی چیزها میتوان گفت. برخی ضدیت شان با احزاب کمونیستی را به یک الگوی فکری ارتقا داده اند و مشترکاً با تحلیلگران بی بی سی میگویند که "دوره احزاب مدل لنینی بسر آمده است!" این تز کم کم به ضدیت با لنین، ضدیت با اراده انقلابی و ضدیت با عمل انقلابی کارگری ارتقا می یابد. کمی جلوتر انگلس را از مارکس جدا میکند و بعنوان "ضد مارکس" و "کمونیسیم ایدئولوژیک" دراز میکند. در قدم بعد مارکس را به "جوان و پیر" تقسیم میکند و مارکس فلسفی و مارکس انقلابی را به دو پدیده میشناساند. وقتی با این نوع نظرات مواجه میشوید، در نظر اول انگار با نوعی آنارشیسیم شلخته رویرو هستید اما این آنارشیسیم سنتی هم نیست که زمانی دور به هر حال کارگری بود. بیشتر سابقه و رگ و ریشه این دیدگاه به محصولات کمونیسیم مکتبی- فلسفی برمبگردد و از محصولات مُدّه انشقاقات مکتب فرانکفورت و مباحث دهه شصت در اروپای غربی برسر دیالکتیک و چرخشهای ناسیونالیستی مارکسیسم غربی و ارو کمونیسیم در تقابل با اردوگاه سابقشان است.

آنها هرچه بودند و هر تاریخی داشتند، محصولات دوران شکست اند، دوران بازننگری، دوران انزوا، دوران خزیدن به زیر پرچم بورژوازی "خودی" گیریم در جناح چپ آن. اینها اما فاقد تاریخ اند، فاقد سنت مبارزاتی اند، رگ و ریشه ای در جنبش طبقه کارگر و جدالهای تعیین کننده طبقه کارگر و احزاب طبقه کارگر مانند اسلاف اروپائی شان ندارند. لذا بعضی از بحثهای این نوع چپ جهان سومی بحدی غیرجدی است که پرداختن به آن فقط وقت تلف کردن است. از طرف دیگر در اختناق سیاسی، مسائل واقعی آنطور که باید مطرح و دیده نمیشوند، تصویری یک بعدی و آبتن از یک واقعیت پیچیده و چند بعدی اند. وارونگی سرمایه داری، بویژه در جوامع اختناق زده، تا سرحد توهامات مذهبی و احکام آسمانی ارتقا می یابند. نتیجه اینست که متأسفانه بسیاری که ظاهراً سنگ کارگر را به سینه میزنند میخواهند کارگران را گت

بسته به مسلخ بورژوازی ببرند. همین کسانی که به کارگران نصیحت میکنند "طرف احزاب سیاسی نروید!" اگر به کسی برنخورد امنیتی ها برای اینکار عرق میریزند و پول خرج میکنند. منظورشان فقط احزاب کمونیستی است. حالا در میان همین خط آنتی حزب هستند کسانی که کارگران را دعوت میکنند تا با راه انداختن "جنبش مطالبه

محور" پشت حاج آقا خاتمی و کروبی و موسوی و روحانی سینه بزنند، خودشان در صف اول رای دهندگان و مبلغینی هستند که کدام اصلاح طلب استعفا دهد تا آن کاندیدای دیگر رای بیاورد! حتی در زندان هم نامه میدهند که به فلانی رای میدهم!

### آنتی حزب و ناسیونالیسم

این آنتی حزب خود را همواره با سرویس دادن به بورژوازی یا بخشی از آن تکمیل میکند، مثلاً با شعار "تولید داخلی بیشتر" گردن فلان حاجی پاسدار- شکنجهگر "خودی و ایرانی" را کلفت تر میکنند. یا زمانی دورتر کارگران را در توهم وعده "جامعه مدنی" و "تشکل کارگری" که آخوند خاتمی قرار بود چراغش را روشن کند، میبردند اما همزمان به احزاب کمونیست فحاشی میکردند، گرای امنیتی علیه فعالین کمونیست میدهند و برای فعال کارگری پرونده سازی میکنند. شاید سوال کنید این همه تناقض برسر چیست؟ جواب اینست که در عالم سیاست هر دیدگاهی اهداف و منافع طبقاتی ای را دنبال میکند. این آنتی حزب براین آگاه است که اهداف ناسیونالیستی "شاخه کارگری" هم میخواهد. بالاخره "کارگران مهین" باید جان بکنند تا "عزت ملی" ایشان که ترجمه طول و عرض ثروت طبقه سرمایه دار در ایران است بیشتر شود! باید "کارگران غیور وطن" فداکاری کنند و به کمتر راضی باشند، تا "تولید ملی" - اسم رمز توسعه سرمایه داری و قدرت رقابت سرمایه ایرانی در بازارها- راه بیافتد و افزایش یابد و روسای "بهشت سرمایه داری" بتوانند در خارج پول خرج کنند! بالاخره باید "کارگران مسلمان ایران" حقوق بگیرند یا حقوق چند بار زیر خط فقر بگیرند، اضافه کاری کنند و حتی حق اضافه کاری یک مطالبه شان در مهمترین صنایع ایران باشد، در آلونک و حلبی آباد "زندگی" کنند، کلیه شان را بفروشند تا به زخم شهریه و دوا و درمان بزنند، بچه هایشان تن فروشی کنند، تا یک مُشت مسلمان مرتجع سرمایه دار و آدمکش بتوانند قدرت جمهوری اسلامی را به رُخ این و آن بکشند! برای این جماعت و طرفدارانشان کارگر امتیزه و بیحقوق و غیر متشکل و غیر متحزب و سرکوب شده و تحقیر شده بسیار بهتر است. برای اینها کارگر متشکل و متحزب و مدعی قدرت سیاسی خطرناک است. تا از کارگر و ادعای کارگری و لنین و حکمت و دولت انقلابی کارگری صحبت میکنید، ناگهان خرواری از عبارات "توتالیتر" و "خشونت نکنید" و ادبیات ضد کمونیستی به رویتان پرت میکنند. با زبانی با شما حرف میزنند که گوئی خامنه ای و اسلاف جمهوری اسلامی به شما ارجحیت دارد! اما در دنیای سیاست واقعی و کشمکش طبقاتی، برای کارگر کمونیست و رهبر جدی کارگری که امری دارد و فکر میکند جامعه باید بدست کارگران باشد، این تلاشها مفت نمی آرزد.

### حزب نیاز مبرم است!

در جامعه و صحنه سیاست اما طبقات لخت و عور و

حزب سیاسی این گرایش است. رفرمیسم نیز یک تمایل قدرتمند میان کارگران بویژه در دوره های غیر بحرانی و غیر انقلابی است و ماحصل این گرایش نیز در قامت حزبی و سیاسی و سازمان توده ای کارگری و سیاست و تاکتیک روز در جنبش کارگری قابل دیدن و بررسی دقیق تاریخی است. در دوره های انقلابی که مسئله قدرت سیاسی را به صدر میراند، جنبشهای اجتماعی را حول این موضوع و سوالات گرهی ایندوره کشمکش طبقاتی قطبی میکند. همانطور که جنبشها و احزاب طبقات دارا برای قدرت سیاسی تلاش میکنند، جنبش سوسیالیستی و حزب سیاسی طبقه کارگر هم برای قدرت سیاسی تلاش میکند.

### کدام کمونیسم، کدام حزب!

یک بحث و سوال میتواند این باشد که کدام حزب کمونیستی است، کدام حزب کارگری است و طبقه را بطور عینی نمایندگی میکند. خب، کم نداشتیم احزاب متفرقه بورژوازی که تابلوی "کارگر و سوسیالیسم" را بر سردرشان آویزان کردند اما دنبال منافع بخشی از بورژوازی بودند و یا در ائتلافی با بورژواها به خاکریز سرکوب کمونیسم و انقلاب کارگری تبدیل شدند.

حزب کمونیستی کارگری حزب پیشروان طبقه کارگر و کارگران کمونیست و سوسیالیست است یا اساساً باید این باشد. البته تاریخ قرن بیستم مملو از احزابی است که با جدائی از کارگر و جدائی از مارکسیسم، نام و پرچم کمونیسم را در خدمت منافع غیر کارگری و غیر سوسیالیستی فرار داده اند. اما احزاب کارگری احزابی جدا از طبقه نیستند بلکه محصول مبارزه کارگری و افق و راه حل کارگری در قلمرو حزبی و سیاسی اند. احزابی که چه در دیدگاه و نگرش سیاسی و چه در پایه اجتماعی ربط مشخصی به مبارزه و تلاش کارگری ندارند، علیرغم هر نام و پرچمی که داشته باشند احزابی فرقه ای و غیر کارگری اند. در عین حال حزب کارگری بودن و در میان کارگران نفوذ داشتن هنوز به معنای حزب کمونیستی کارگری نیست. گرایشات بورژوازی و مشخصاً جناح چپ و مرکز طبقه حاکم، سوسیال دمکراسی و رفرمیسم، اگر نه در دو سه دهه اخیر و تحولات سوسیال دمکراسی، اما تاریخاً احزابی کارگری بودند و سیاستهای خود را از جمله با اتکا به حمایت گرایشی قوی در درون طبقه کارگر پیش برده اند. ما در باره حزب سیاسی کمونیستی کارگری حرف میزنیم که جریانی بانفوذ و موثر در میان جناح رادیکال و پیشرو جنبش کارگری و در قلمرو سیاست سراسری است. حزبی که نبض اش با اعتراض و مبارزه جاری کارگران میزند و افت و خیزش تابعی از این مبارزه و سنتهای ریشه دار سوسیالیستی آنست. حزبی که مبارزه رادیکال کارگری شناسنامه آنست و پرچمدار نقد گرایش کمونیست و سوسیالیست طبقه کارگر به نظم موجود است.

اساس تشکل حزبی کمونیسم کارگری موثر بودن و مطرح بودن سیاستهای حزب در میان کارگران است. اساس تشکل حزبی کمونیسم کارگری تحرک کارگران کمونیست و سوسیالیست در اعتراضات کارگری است. همه کارگرانی که در مراکز متعدد کارگری سیاستها و اهداف سوسیالیستی حزب را افق مبارزه خود قرار داده اند، نمایندگان و رهبران عملی حزب کمونیستی کارگری در جنبش طبقه کارگر برای سوسیالیسم اند. اینکه حزب در هر دوره ای و متناسب با تناسب قوا چه اشکال سازماندهی را اتخاذ میکند، امکان فعالیت علنی یا

## کارگران کمونیست و تحزب کمونیستی

### در باره خط آنتی تحزب ...

بلاواسطه رو در روی هم قرار نمیگیرند. کشمکش طبقات اجتماعی از طریق جنبشها و احزاب سیاسی ای که ریشه در اقتصاد سیاسی یک جامعه سرمایه داری دارند، صورت میگیرد. بورژوازی برای حفظ و تداوم سلطه طبقاتی اش انواع حزب و سیاست برای بالا تا پایین جامعه دارد. اگر جناحی از بورژوازی نتوانست اهداف کل طبقه اش را نمایندگی کند و پیش برود، امور دولت و نهادهای اساسی هیئت حاکمه را دست جناحی دیگر میدهند، اما نباید دست کارگران و انقلابیون بیفتد. کارگران تاریخاً اگر نقشی ماندگار در جامعه ایفا کرده اند از طریق مبارزات جنبش طبقه شان و احزاب کارگری و کمونیستی بوده است. جنبش طبقه بدون حزب سیاسی و بدون جنبش اجتماعی و حزبی، یعنی عدم حضور در جدال سیاسی و یا نهایتاً حضور بعنوان گروه فشار طبقه بورژوازی. بخش زیادی از نگرش آنتی تحزب تنمّه آنتی کمونیسمی است که دستپخت دوره جنگ سرد است. آنتی کمونیسم یک سلاح دفاعی بورژوازی است، یک رکن تعطیل ناپذیر مبارزه علیه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. مهم نیست این آنتی کمونیسم، حال ضدیت با کل آرمان کمونیسم و یا ضدیت با تحزب و تشکل و سیاست کمونیستی، از دهان سخنگویان راست طبقه حاکم در می آید و یا توسط گروه فشار چپاش در جامعه پمپاژ میشود. یک نمونه آشنا انقلاب ۵۷ ایران است. کارگر در این انقلاب از فداکاری و مبارزه و اعتصاب و شورا و تشکل چیزی کم نداشت. اما فاقد یک حزب سیاسی بود که در آن تحول انقلابی نماینده و سخنگوی طبقه کارگر باشد. حزبی که نماینده طبقه در قلمرو سیاست سراسری در مقابل افق و راه حل بورژوازی در آن انقلاب باشد. احزاب چپ متفرقه ناسیونالیست و طرفدار آخوندها یا سازمانهای انقلابی و محافل متعدد چپ کم نبودند، اما حزب سیاسی کارگری که بتواند در مقابل بورژوازی جنگ را به نفع طبقه کارگر و راه حل کارگری تمام کند، نداشتیم. نتیجه فداکاری و مبارزات شکوهمند در آن انقلاب نهایتاً سرکوب خونین و شکست و چهار دهه مصیبت از جنگ و آپارتاید و کشتار عظیم و آوارگی تا فقر و فلاکت اقتصادی شد. آیا قرار است بار دیگر این تجربه تلخ تکرار شود؟ سیاست آنتی تحزب این راه را به کارگران نشان میدهد.

### گرایشات اجتماعی و احزاب سیاسی

سوسیالیسم و کمونیسم مانند ناسیونالیسم و لیبرالیسم و محافظه کاری و مذهب، گرایشی اجتماعی و طبقاتی است. تاریخاً کمونیسم و جنبش سوسیالیستی کارگران انتقادی اجتماعی به نظام سرمایه داری داشته و سوخت و ساز سیاسی و گرایشات مختلف درون طبقه در هر دوره احزاب سیاسی مختلفی را بیرون داده است. احزابی که تمایلات وسیع تر و پایدارتر درون طبقه را نمایندگی کردند و در قلمروهای مختلف سیاسی و سبک کاری و تاکتیکی نیز اختلاف داشته اند. گرایش سوسیالیستی در میان طبقه کارگر، سوسیالیسم کارگری، حتی بدون وجود یک حزب سیاسی کارگری و معتبر یک گرایش عینی و یک جنبش واقعی است که با این و عظمی گونه روشنفکران بورژوا نه از بین میرود و نه میشود انکارش کرد. حزب کمونیستی کارگری

## کارگران کمونیست و حزب کمونیستی در باره خط آنتی حزب ...

حتی نیمه علنی حزبی را در میان کارگران دارد یا نه، در قیاس با این مهم که وجود حزب در میان کارگران مستقل از اختناق و گشایش سیاسی امری مسلم در اشکال گوناگون است، ثانوی‌تر است. اختناق شرایط کار کمونیستی را محدود و تهدید میکند اما توجیه محکمی برای غیبت فعالیت حزب کمونیستی در میان کارگران نیست. کمونیسم اساساً یک گرایش قدیمی و یک افق جاافتاده و یک سنت مبارزاتی در درون طبقه کارگر است و حزب کمونیستی کارگری حزب این گرایش و این افق و این سنت مبارزاتی است و رابطه تفکیک ناپذیری با آن دارد.

ما در مورد کمونیسمی حرف میزنیم که میخواهد روابط سرمایه داری و جامعه طبقاتی را برچیند. انتقادش به نظم موجود عمیق و ریشه ای است. پایه اش جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است و حزب سیاسی اش اساساً حزب پیشروان این طبقه بعنوان نوک فشرده این جنبش عظیم است. حزب کمونیستی کارگری طبق تعریف، سازمان رهبری پیشروان طبقه است که قرار است طبقه را در قلمرو سیاست سراسری نمایندگی کند، استقلال سیاسی و فکری و تشکیلاتی طبقه کارگر را تامین کند و در مقیاس جامعه حضور جنبش سوسیالیستی را برای توده اهالی ملموس و به یک انتخاب عینی و مطلوب تبدیل کند. تشکل توده ای کارگری، بعنوان مثال شوراهای و جنبش مجمع عمومی- شورائی، سازمان توده ای طبقه کارگر است که منافع عمومی و اتحاد طبقه را در مقابل بورژوازی حراست میکند. هیچکدام جای دیگری را نمیتواند بگیرد و هیچکدام بدون دیگری به جانی نمیرسد.

در تاریخ جنبش بین المللی کارگری، سنتهای آنارشیبستی و گرایشاتی که کارگران را از سیاست دور میکردند همواره وجود داشته است. نقطه اشتراک این گرایشات خلع سلاح کارگران از حزب سیاسی و تسلیم آنها در مواقع بحرانی به بورژوازی بوده است. کارگران حتی اگر در تشکل های توده ای در مقیاس یک جامعه هم متحد شوند، برای وارد کردن ضربه نهائی به این نظام باید بمثابة "حزب سیاسی" عمل کنند و از خود "حزب سیاسی" بیرون بدهند. نمیشود نقد ریشه ای به مناسبات سرمایه داری داشت اما کاری به کار سرمایه و قدرتش نداشت. نمیشود تبعیض و بیحقوقی و فلاکت را دید و جنبشهای انقلابی و ضد تبعیض را حول پرچم کارگران برای رهائی جامعه بسیج نکرد. کارگر یا بعنوان یک طبقه و یک آلترناتیو اجتماعی در تحولات سیاسی برای کسب قدرت سیاسی و اعلام دولت انقلابی و کارگری ظاهر میشود و یا تار و مارش میکند، بورژوازی کرور کرور رهبرانش را می‌کشد و سازمانهایش را نابود میکند.

جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر دولت شوراها را سرکار می آورد. این جنبش فقط نمیخواهد خودش را آزاد کند بلکه پرچمدار آزادی جامعه است. برخلاف بورژواها مالکیت را در انحصار اقلیتی ناچیز نگه نمیدارد و با لغو مالکیت اقلیتی ناچیز و اشتراکی کردن آن، مالکیت را به عموم برمیگرداند. دولت کارگری خوشبختی و رفاه و علم و سعادت و حق زندگی و حیات و پیشرفت و شکوفائی را "ویژه" کارگر نمیداند

بلکه حقوق همه انسانهای آزاد میداند. لذا کارگر و جنبش کمونیستی کارگری در موضع پاسخ دادن به ماموران تکامل تاریخ و به مبصران و مجیزگویان بورژوازی نیست، بلکه خود کلید حل معمای تاریخ است. برای جنبش کمونیستی طبقه کارگر، بحث تصرف قدرت سیاسی، استفاده از ابزار دولت بمثابة یک وسیله بسط مبارزه طبقاتی در دوره انقلابی و در هم کوبیدن مقاومت بورژوازی در مقابل برقراری سوسیالیسم، یک رکن اساسی و کلیدی مارکسیسم و کمونیسم مارکس و منصور حکمت و فشرده ترین بیان گذار از تفسیر فلسفی جهان به تغییر انقلابی جهان است. معلوم نیست چرا همین چپ ناسیونالیست و گرایشات راست کارگری با قدرت بورژوازی معضلی ندارند و حتی بخشا دنبال آن می افتند اما وقتی بحث کارگر و حزب کمونیستی کارگری است همه مبصر میشوند و عملاً با دور نگهداشتن کارگران از قدرت از "حق ویژه و انحصاری" بورژوازی دفاع میکنند؟ بورژواها را ببینید که با انتخابات تقلبی و وعده های پوچ تر از پوچ بقدرت میرسند و هیچکدام از این منتقدین کارگران و کمونیستها صدایشان در نمی آید. دولت و قانون شان همه علیه طبقه کارگر است و به هیچ کسی پاسخگو نیستند. نه فقط در ایران اسلام زده و استبداد زده بلکه در آمریکای دمکرات هم همینطور است. هر کاری میخواهند میکنند، به هر کشوری میخواهند حمله میکنند، پول از جیب کارگر درمیآوردند و به جیب سرمایه دار میریزند و هنوز "عالیجنابان" و "شخصیتهای دمکرات" اند. از نظر اینان در ایران خمینی و خامنه ای و شازده ها و نوه های جبهه ملی میتوانند در قدرت باشند اما کارگر و کمونیسم نمیتواند؟ جنبش کمونیستی طبقه کارگر بدهی به کسی ندارد. کسی که میگوید چنین حزبی نمیتواند دست بقدرت سیاسی ببرد، باید جوابش را اینگونه داد که به شما ربطی ندارد، سوسیالیسم مبصر نمیخواهد، لطفاً شما بروید حیات خلوت قدرت بورژوازی را آب و جارو کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بدو برای همدلی و هم افقی گرایش کمونیستی طبقه کارگر تلاش میکند و تحقق آنرا در گرو اتخاذ سیاستهای حزب در قلمروهای سازماندهی و رهبری مبارزات کارگری و اجتماعی توسط این گرایش در کل طبقه جستجو میکند. سازمان حزبی ما طبق تعریف تناقضی با زندگی و شرایط مبارزه روزمره و جاری کارگران ندارد. پیشروی و پسروی سازمان حزبی کمونیستی کارگری تابعی از موقعیت گرایش کمونیستی در کل طبقه و کل جامعه است. هم جبهتی و هم افقی کارگران کمونیست و رهبران کارگری با حزب و سیاستهای حزبی ماتریال اساسی و نمود عینی حزب و تشکل حزبی در میان کارگران در شرایط امروز است.

۲۳ آوریل ۲۰۲۰

**دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی،  
درمانی و بهداشتی شهروندان در  
شرایط گسترش پاندمی کرونا است!**



# زنده باد اول مه!

أفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

## زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۱

[www.hekmatist.org](http://www.hekmatist.org)

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیست

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل

میشود!

منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم!